بررسی کلام وحید بهبهانی و شیخ الطائفه در روایت اسحاق بن عمار

یکی از موارد همین است که در روایت اسحاق بن عمار وجود دارد. ببینیم که این آقایان چه فرموده‌اند. بیان حدیث شریف خیلی واضح است. حضرت فرمودند:

> **عن أبي عبد الله عليه السّلام: ثمّ قال: سألته عن هلال رمضان، يغمّ عليهنا في تسع و عشرين من شعبان؟ فقال: «لا تصم إلّا أن تراه، فإن شهد أهل بلد آخر [أنّهم رأوه] فاقضه، و إذا رأيته وسط النهار فأتمّ صومه إلى الليل»[1]**

سید بحرالعلوم فرمودند که من به این حدیث دو قید می‌زنم؛ یعنی چراهای نداشتند. «اذا رایته وسط النهار»؛ یعنی اگر وسط نهار دیدی و چیزی هم نخورده باشی. اگر خورده باشی که معلوم است. دوم، «اذا رایته وسط النهار»؛ یعنی قبل از زوال. چون بعد از زوال اجماع هست که صوم واجب نیست. فرمودند: با این دو قرینه، این روایت اسحاق بن عمار از ادله اجزاء رؤیت قبل از زوال است. بعد از زوال، به اجماع خارج است و چیزی نخوردن آن هم به اجماع و به اعتبارات شرعیه تمام است.

شیخ الطائفه فرمودند:

> **هذا، و قد قيل لتوجيه الرواية بحيث ينطبق على القول المشهور و جهان:**
>
> **الأوّل: حمل الأمر بإتمام الصوم على الاستحباب، و أنّ المراد صومه على أنّه من شعبان. قاله الشيخ في التهذيب[2]**

«حمل الأمر بإتمام الصوم على الاستحباب»؛ خب یعنی چه استحباب است؟ او که هلال ماه مبارک را دیده؟ **«و أنّ المراد صومه على أنّه من شعبان»؛** «اذا رایته وسط النهار»، یعنی روزه و ماه مبارک دیگر گذشته، لذا **«اتم صیامه ندبا علی انه من شعبان».**

> **و يتوجّه عليه مضافا إلى ما فيه من صرف الأمر عن ظاهره- و هو الوجوب- أنّ الصوم على هذا الوجه لا يختصّ بصورة رؤية الهلال نهارا، فضلا عن رؤيته في الوسط خاصّة كما تدلّ عليه الرواية، على أنّ سوق الحديث يقتضي أن يكون الصوم المأمور به هنا هو الصوم المنهيّ عنه في قوله عليه السّلام: «لا تصم إلّا أن تراه»، و لا ريب أنّ المراد صومه على أنّه من رمضان.**

«و يتوجّه عليه»؛ دو اشکال ای سه اشکال به حرف شیخ دارند. **«مضافا إلى ما فيه من صرف الأمر عن ظاهره و هو الوجوب»؛** حضرت فرمودند «اتمّ» ولی شما می‌گویید یعنی «اتمّ ندبا»؛ روزه ماه شعبان که واجب نیست. این خلاف ظاهر امر است؛ امر، وجوب است.

«أنّ الصوم على هذا الوجه لا يختصّ بصورة رؤية الهلال نهارا»؛ می‌گویند وقتی در روز فردا، هلال رادیدی، روزه آخر ماه شعبان را ندبا بگیر. خب اگر ندیدی هم ندبا روزه را بگیر. کسی در مندوب بودن روزه آخر ماه شعبان که مشکلی ندارد که حضرت بفرمایند اگر فردا دیدی این امر ندبی را انجام بده. می‌گویند اگر به این صورت باشد که **«لا يختصّ بصورة رؤية الهلال نهارا فضلا عن رؤيته في الوسط خاصّة»؛** وسطی که ایشان معنا کردند یعنی مقداری قبل از زوال و مقداری بعد از زوال.

«على أنّ سوق الحديث يقتضي أن يكون الصوم المأمور به هنا هو الصوم المنهيّ عنه في قوله عليه السّلام: لا تصم إلّا أن تراه»، و لا ريب أنّ المراد صومه على أنّه من رمضان»؛ پس اینجا هم که «اتمّ» می‌فرمایند یعنی همان صوم.

این اشکال ایشان به مرحوم شیخ بود. آیا این سه اشکال به شیخ وارد است؟ به‌عنوان سؤال عرض می‌کنم؛ فرمودند ظاهر امر وجوب است. درست است که ظاهر امر وجوب است، اما خود شما می‌گویید قبلش نهی کرده است. در مقامی که شبهه و توهم حظر است، شما نمی‌توانید بگویید ظاهر امر وجوب است. حتی قرینة الموجود هم باشد دیگر ظهور نیست. البته در این بحث هست. خلاصه در کلام این هست. به نظرم مرحوم شیخ می‌فرمایند در قرینة موجود نمی‌توان به ظهور اخذ کرد. منظور من اختلاف نظر است. لذا شما نمی‌توانید حتماً به گردن ایشان بگذاری که امر ظاهر در وجوب است.

35:15

شاگرد: ایشان که می‌خواهد استحباب را بگوید، در موضوع واحد است که اگر قبلش نهی باشد... .

استاد: خب ایشان می‌فرمایند قبلش دقیقاً صوم است. «على انه من رمضان». پس معلوم می‌شود صوم آن هم علی انه من رمضان است.

شاگرد: شما می‌خواهید از شیخ دفاع کنید، شیخ می‌گوید دو تا است. شیخ می‌گوید نهی برای ماه رمضان بوده و این برای شعبان است.

استاد: من عبارت روایت را بخوانم. «سألته عن هلال رمضان، يغمّ علينا في تسع و عشرين من شعبان؟»؛ هوا ابر است و هلال را نمی‌بینیم، چه کنیم؟ «فقال: لا تصم»؛ روزه نگیر، یعنی شعبان را روزه نگیر؟ استحباب صوم شعبان که روشن است. بلکه به‌عنوان ماه مبارک روزه نگیر، «إلّا أن تراه»؛ تا ندیدی روزه نگیر. «فإن شهد أهل بلد آخر [أنّهم رأوه] فاقضه»؛ تو روزه

نگرفته ای اما اگر شهادت دادند قضا کن. «و إذا رأيته وسط النهار فأتمّ صومه إلى الليل». علی ای حال در اینجا حضرت «لاتصم» را فرمودند؛ وقتی «لاتصم» گفتند او می‌گوید اگر فردا هم دیدی چه بسا این نه‌ی هست. تو که دیشب ندیدی، اگر فردا دیدی باز هم نباید بگیری. یعنی نه‌ی استمرار دارد. «لاتصم الّا ان تراه»؛ تو هم که ندیدی. دیروز هم که فایده ندارد.

شاگرد: شما فرمایش شیخ را تقویت نمی‌کنید؟ شیخ می‌گوید شعبان است. شما همچنان ماه رمضان معنا کردید.

استاد: نه، منظور من وجود نه‌ی در کلام است، نزد عرف عام. همین که نزد عرف عام قبلش یک نه‌ی بوده، کافی است که اگر امری آمد، حتماً حمل بر وجوب نکنیم که سید بفرماید «الامر ظاهره الوجوب». وقتی ظاهرش وجوب است که نزد عرف عام، قبلش نه‌ی ای مطرح نشده باشد. اینجا که مطرح شده شما نمی‌توانی به گردن شیخ بگذاری که «ظاهر الامر الوجوب». ایشان می‌گویند قبلش نه‌ی بوده و برای فردا، توهم استمرار آن نه‌ی را می‌کند. لذا حضرت می‌گویند اگر دیدی بگیر.

شاگرد۲: حتی اگر نه‌ی مقیدی هم باشد به این صورت است؟ یعنی تاریخ نه‌ی سرآمد.

استاد: ببینید توهم، برای عرف عام خیلی سهل الموئونه است. لذا وقتی بیایی کافی است. اگر مقیدی هم باشد که عرف، سریع قید را نمی فهمد. او می‌بیند یک نه‌ای در کار بود، برای دفع توهمش گوینده امر می‌کند. در اینجا نمی‌توانیم بگوییم چه کار به زمینه توهم داریم، او دارد وجوب را می‌آورد!

شاگرد۲۳: وقتی عرف «لاتصم الّا ان تراه» را می‌بیند می‌گوید حضرت نه‌ی کرده؟ یا حضرت یک قیدی برای وجوب صوم گذاشته‌اند؟ یعنی باید یک قیدی باشد تا واجب باشد که روزه بگیری. یعنی در فضای این روایت، عرف شاید آن را نه‌ی ندانند که بخواهد حمل بر جواز کند.

استاد: «لاتصم الّا ان تراه» چطور نه‌ی نیست؟

شاگرد: این بیان برای این است که وقتی ماه را دیدی، روزه واجب است.

استاد: علی ای حال «لاتصم» صیغه نه‌ی است. نمی‌توانی این را کاری کنید. شما استظهار می‌کنید به این معنا نیست که روزه نگیر، بلکه اگر می‌خواهی روزه بگیر. اگر یادتان باشد، در اهلسنت که فراوان بود، در شیعه شاید شهرت یا اجماع بود که این نه‌ی ها را حمل بر کراهت کرده بودند. پس چطور نه‌ی نیست، ولی آن‌ها حمل بر کراهت کرده‌اند؟! اگر اصلاً نه‌ی نمی فهمیدند تنزیه هم معنا نداشت. «لاتصم» یعنی هنوز ماه نشده است ولی خیلی خوب است که فردا را روزه بگیری. اگر این جور بود که نمی گفتند مکروه است. معلوم می‌شود که عرف از این «لاتصم»، نه‌ی فهمیده‌اند.

والحمد لله رب العالمین

---

[1] رؤیت هلال، ج۳، ص: ۱۹۷۶

[2] همان

بازبینی #1
ایجاد شده 2 مه 2026 11:46:10 توسط ... .
به روزرسانی شده 2 مه 2026 11:49:38 توسط ... .